

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کیومرث

۲۶ می ۲۰۲۵

"پسا استعمار نقاب نوین امپریالیسم"

بخش هشتم

«پسا» به مثابه توهم، نقد سمیر امین بر گفتمان پسااستعمار

الف. ساختارگرایی ضدایدئولوژیک در اندیشه سمیر امین

سمیر امین، اندیشمند و یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان نظام جهانی، با دقتی ساختارگرایانه و ریشه‌دار در ماتریالیسم تاریخی، پرده از مناسبات نابرابر و سلطه‌گرانه‌ای برمی‌دارد که سرمایه‌داری جهانی بر اساس آن بازتولید می‌شود. در آثاری چون *اروپامحوری* (1988) و *قانون ارزش در مقیاس جهانی*، امین نه تنها به افشای ایدئولوژی‌های مسلط می‌پردازد، بلکه گفتمان پسااستعمار را نیز به عنوان یکی از همین ایدئولوژی‌های بازدارنده به نبرد فرا می‌خواند.

از نظر امین، اصطلاح «پسااستعمار» توهمی معرفت‌شناختی می‌آفریند؛ گویی لحظه‌ای گسسته از گذشته استعماری فرارسیده است و ما وارد عصری نوین شده‌ایم. حال آنکه ساختارهای سلطه، نه فقط زنده، که در قالبی پیچیده‌تر و نهادینه‌تر بازتولید شده‌اند. استعمار نه پایان یافته، نه محو شده، بلکه از ساحت نظامی-سیاسی به سطحی عمیق‌تر، نظام‌مندتر و اقتصادی‌تر انتقال یافته است. او با قاطعیت این پدیده را *انتوکالونیالیسم ساختاری* می‌نامد، شکلی از سلطه که زیر نقاب بازار آزاد، توسعه و جهانی‌سازی پنهان شده، اما در جوهر، همان مناسبات غارت و انتقال مازاد را استمرار می‌بخشد.

سرمایه‌داری جهانی، از منظر امین، نظامی است که بر اساس تقسیم جهانی کار به شیوه‌ای مرکز-پیرامونی استوار شده است؛ نظامی که در آن کشورهای مرکز (ایالات متحده، اروپای غربی، جاپان) با ابزارهایی چون تجارت نابرابر، تبادل نابرابر ارزش، سلطه ارزی، و مداخلات مالی، خون اقتصادی پیرامون (آفریقا، آسیا، امریکای لاتین) را می‌مکند و آن را به سودهای انباشتی در متروپل تبدیل می‌کنند. نهادهایی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و شرکت‌های چندملیتی، به مثابه ابزارهای سرمایه‌امپریالیستی، نقش پولیس‌های جهانی نظم بورژوائی را ایفا می‌کنند؛ نظامی که بر تخریب توان تولیدی جوامع پیرامونی، نابودی خودکفائی، و تحمیل وابستگی ساختاری استوار است.

ساختارگرایی رادیکال امین، نه تنها نقدی بر سرمایه‌داری جهانی است، بلکه نوعی مقاومت نظری علیه تلاش‌های ایدئولوژیک است که می‌کوشند منازعات طبقاتی و مناسبات سلطه را در غبار روایت‌های فرهنگی، پساایدئولوژیک، یا

بین امیتی پنهان سازند. برای امین، بازگشت به تحلیل اقتصاد سیاسی جهانی، نه یک گرایش صرفاً دانشگاهی، بلکه ضرورتی حیاتی برای رهایی واقعی ملت‌های فرودست از بند امپریالیسم نوین است.

ب. انتقاد از «پسااستعمار» به‌مثابه پروژه ایدئولوژیک بورژوازی آکادمیک

سمیر امین، همچون بسیاری از متفکران ساختارگرا، گفتمان پسااستعمار را نه فقط ناکارآمد، بلکه در مواردی پروژه‌ای/ایدئولوژیک می‌داند که در خدمت تثبیت نظم جهانی موجود قرار گرفته است. به‌زعم او، پسااستعمار در شکل دانشگاهی خود—خصوصاً آن‌گونه که در محافل آکادمیک غربی و نخبگان فرهنگی حاشیه‌نشین بازتولید می‌شود—در بهترین حالت، نقدی سطحی و غیررادیکال از اشکال سلطه ارائه می‌دهد و در بدترین حالت، به ابزار مشروع‌سازی هژمونی فرهنگی و اقتصادی امپریالیسم بدل می‌گردد.

امین در این نقد، هم‌صدا با چهره‌هائی چون آرگیری امانوئل و جیوانی آریگی، هشدار می‌دهد که گفتمان پسااستعماری، با تمام ادعای رهایی‌بخش خود، در عمل به زبانی بی‌خطر برای بورژوازی جهانی تبدیل شده است. او می‌نویسد: «پسااستعمار در سطح گفتمانی مدعی رهایی است، اما در سطح ساختاری، اغلب با سیاست‌های توسعه‌گرایانه نولیبرالی و وابستگی به مرکز همزیستی دارد.»

این گفتمان، با چرخش از مفاهیم ماتریالیستی نظیر ارزش، تولید، کار، مالکیت، و مازاد به مفاهیمی نظیر بازنمایی، هویت، تفاوت، و دیگری، به نوعی فرار از واقعیت مادی سلطه است. این چرخش نه تصادفی است و نه بی‌خطر؛ بلکه بازتابی از سازگاری ناخودآگاه روشنفکران طبقه متوسط دانشگاهی با منطق فرهنگی سرمایه‌داری جهانی است. آن‌ها به‌جای نبش ساختارهای طبقاتی و روابط سلطه مادی، در سطح استعاره‌ها، نشانه‌ها و زبان سرگردان مانده‌اند—در نتیجه، به جای آن‌که استعمار معاصر را افشاء کنند، به شکل‌بندی مجدد آن در لباس هویت‌گرایی کمک می‌کنند.

گفتمان پسااستعمار، در این معنا، نه تنها از افسون‌زدائی از استعمار اقتصادی باز می‌ماند، بلکه آن را به فراموشی می‌سپارد. نهادهای امپریالیستی، شرکت‌های فراملیتی، و رژیم‌های بدهی که پایه‌های مادی سلطه را می‌سازند، در این گفتمان اغلب غایب‌اند. این غیاب، نه تنها تحلیلی، بلکه سیاسی است؛ زیرا در نتیجه آن، مبارزه طبقاتی به نفع منازعات گفتمانی عقب‌نشینی می‌کند و امکان سازماندهی یک پروژه رهایی‌بخش واقعاً انقلابی، به حاشیه رانده می‌شود.

ج. نقد اقتصاد سیاسی بدهی و روابط ساختاری شمال-جنوب

در دستگاه تحلیلی سمیر امین، بدهی خارجی نه صرفاً یک پدیده مالی، بلکه شکلی مدرن از ابزارهای سلطه طبقاتی در سطح جهانی است. امین با بهره‌گیری از این سنت، این بدهی‌ها را به‌مثابه سازوکاری برای بازتولید روابط امپریالیستی تولید میان مرکز و پیرامون تحلیل می‌کند. در این چارچوب، کشورهای موسوم به «جهان سوم» عملاً به بردگان مالی دائم‌العمر بدل شده‌اند؛ وابسته به نهادهائی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که تحت هژمونی سرمایه فراملی عمل می‌کنند و سیاست‌های تعدیل ساختاری آن‌ها را همچون زنجیرهای نامرئی بر گردن دولت‌ها می‌افکنند.

در نتیجه، دولت‌های پیرامونی برای «خدمت به بدهی»—اصطلاحی که خود تداعی‌گر برده‌داری نوین است—مجبور اند درآمدهای عمومی را نه صرف آموزش، بهداشت یا توسعه زیربنای تولیدی، بلکه خرج بازپرداخت بهره‌های کلان وام‌هائی کنند که اغلب برای اجرای پروژه‌های ناکارآمد یا فاسد اخذ شده‌اند. این روند، نه اشتباهی تصادفی، بلکه منطق درونی سیستم سرمایه‌داری جهانی است، انباشت در مرکز از طریق سلب مالکیت و انقیاد مالی در پیرامون.

در دل این وضعیت، شرکت‌های چندملیتی با تکیه بر سیاست‌های خصوصی‌سازی، واگذاری دارائی‌های عمومی، و «آزادسازی بازار»، به تصاحب مستقیم و غیرمستقیم منابع طبیعی و انسانی کشورهای جنوب می‌پردازند. این فرایند غارت‌محور، که امین آن را *امپریالیسم سازمان‌یافته بازار* می‌نامد، نشان‌دهنده آن است که استعمار تنها شکل خود را تغییر داده، نه محتوای طبقاتی‌اش را.

سرمایه‌داری جهانی، از طریق نهادهای مالی بین‌المللی و رژیم‌های حقوقی فراملی، اکنون می‌تواند همان کارکردهای گذشته امپراتوری‌های استعماری را با زبان «توسعه»، «مشارکت»، و «رشد اقتصادی» انجام دهد—اما بدون نیاز به پرچم یا نیروی نظامی مستقیم.

امین در تحلیل نهائی خود، اقتصاد سیاسی بدهی را بازتولید ساختاری روابط مرکز-پیرامون می‌داند؛ روابطی که در آن مازاد اقتصادی جهان حاشیه نه تنها از مسیرهای مبادله نابرابر و انتقال ارزش، بلکه از طریق *اجبار مالی سازمان‌یافته* به مراکز سرمایه هدایت می‌شود. این همان جوهر *نئوکالونیالیسم مالی* است: فرمان‌روائی بدون اشغال، استعمار بدون مستعمره، و بهره‌کشی بدون زنجیرهای آشکار.

ادامه دارد ...

تاریخ: ۲۵ می ۲۰۲۵